

بررسی مردم شناختی تَرَبَت (خاک مقدس) از زاد تا مرگ مطالعه موردی تَرَبَت حضرت سیدالشهدا(ع)

فریده مجیدی خامنه^۱

چکیده

این نوشتار نگاهی است به نقش تربت پاک حضرت سیدالشهدا امام حسین (ع) در زندگی روزمره و مناسک گذار از زاد تا مرگ؛ خاک مقدس که بدان تربت نیز می‌گویند به معنی مطلق خاک و به معنای خاص، خاکی است که از حوالی مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا، امام حسین(ع) می‌آورند. هم‌چنین به هر خاک مقدس مطهری اطلاق می‌شود. اماکن مقدسه از آن روی مقدس‌اند که واقعه‌ای در آنها رخ داده، یا ممکن است رخ بدهد (مانند شهادت امام حسین(ع))، ماهیت آنها وابسته به انجام شعایر و آیین‌هاست و به تبع آن اشیایی که به نوعی به آن مکان مقدس ارتباط می‌یابند و استفاده از آنها، مانند مهر و تسبیح و آب تربت که از خاک متبرک کربلا تهیه می‌شوند، این تبرک و تقدس و امید به آینده بهتر را نوید می‌دهند. بررسی حاضر با روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و کتب در خصوص مراسم گذار (از زاد تا مرگ) به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات در میان شیعیان انجام پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد که تربت امام حسین(ع) معنایی فراتر از آن چه در عالم واقع وجود دارد را با خود حمل می‌کند، و در مراسم و مناسک گذار (تولد، ازدواج و مرگ)، شفای بیماران و امید به بهبودی آنها، مصون و محفوظ ماندن از بلایا و... مورد استفاده قرار می‌گیرد و عاملی در بازتولید تقدس اماکن مذهبی در پهنه باورها و مناسک شیعی است.

واژگان کلیدی: تربت، امام حسین(ع)، خاک مقدس، کربلا، مناسک گذار، نمادهای مذهبی.

۱ - استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری؛

مقدمه

خاک مقدس که بدان تربت نیز می‌گویند به معنی مطلق خاک و به معنای خاص، حاکی است که از حوالی مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا، امام حسین(ع) می‌آوردند. هم‌چنین به هر خاک مقدس مطهری اطلاق می‌شود. یکی از ویژگی‌های برجسته ادیان مشهور تاریخی، عبارت است از حضور منطقه‌ها و ساختارهای دینی خاص که با حد و مرزهای طبیعی، آیینی و روانی از مکان‌های عادی جدا شده‌اند. صحن‌ها و حرم‌ها، کلیساها، مساجد، کنیسه‌ها و مشاهد مشرفه، جلوه‌های کاملاً مرئی انقطاع دینی از جهان پیرامون‌اند. از کسانی که وارد این مکان‌های مقدس می‌شوند خواسته می‌شوند که اعمال خاصی را انجام دهند که حاکی از این انقطاع باشد. از جمله غسل و تطهیر، بیرون آوردن کفش، ادعیه و مناجات، تعظیم کردن و زانو زدن، سکوت، روزه داشتن، دربرداشتن لباس مخصوص و احساس انابه و انکسار (الیاده، ۱۳۷۵: ۷۶ و ۷۷)

کاملاً منطقی است که اسباب و اشیایی که در معابد و مشاهد مشرفه محفوظ است و به‌خصوص در اجرای مقدس‌ترین شعایر به کار می‌روند، در تقدس آن مشاهد شریک هستند. این‌گونه چیزها عبارت‌اند از: اسباب و لوازم مربوط به محراب، لوازم مربوط به قربانی، شمع... البته این اشیاء و اسباب از خود مشاهد مشرفه و یادگارهای مخصوص مقدس، که قدسیت ذاتی دارند، کمتر مقدس‌اند. (الیاده، ۱۳۷۵: ۷۸) در صحن‌ها و حرم‌های بزرگتر، اشیاء و یادگارهای متبرک و مقدس در مکان فوق‌العاده محترم و مقدس-شان، از درجات مختلف تقدس و تبرک برخوردارند. مانند منبر، تمثال‌های ائمه...

در تحلیل علت تقدس این اماکن و به تبع آن تقدس این اشیاء باید بگوییم، اماکن مقدسه از آن روی مقدس‌اند که واقعه‌ای در آنها رخ داده، یا ممکن است رخ بدهد {مانند شهادت امام حسین(ع)}، ماهیت آنها وابسته به انجام شعایر و آیین‌هاست و اماکن مواجه مستقیم و برخوردار از حقیقتی که در سنت هست، به مؤمنان می‌بخشد؛ فی‌المثل یک قدرت خارق‌العاده، در یک شیء طبیعی یا حرم، جلوه‌گر می‌شود و گاه سنت حاکی از این است که نوعی عمل خلاقانه اصیل در آنجا صورت گرفته و هنوز روح آن قدرت بر آن مکان حاکم است. بدین‌سان، مشخصه اماکن مقدس، تقدس و تبرک گذشته و امید به آینده است و به تبع آن اشیایی که به نوعی به آن مکان مقدس ارتباط می‌یابند و استفاده از آنها، مانند مهر و تسبیح و آب تربت که از خاک متبرک تهیه می‌شوند، این تبرک و تقدس و امید به آینده بهتر را نوید

می‌دهند. این اشیاء در مراسم و مناسک گذار(تولد، ازدواج و مرگ)، شفای بیماران و امید به بهبودی آنها، مصون و محفوظ ماندن از بلاها و ... که در ادامه خواهند آمد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. به شکلی که هر چیز متبرک یا مقدسی برآورنده چنین امیدهای زنده و مقدسی در نظر گرفته می‌شود. (الیاده، ۱۳۷۵: ۷۸ و ۷۹)

بیان مسئله

سؤال اصلی این تحقیق تبیین جایگاه تربت به عنوان یک نماد دینی در زندگی روزمره شیعیان و همچنین مراسم و آداب مختلف از زمان تولد تا مرگ است تا با بهره‌گیری از یک نمونه موردی، بتوان به جایگاه نمادهای دینی و آثار مترتب بر زندگی شیعیان پردازیم.

اهمیت مسئله

اهمیت و ضرورت مطالعه نمادهایی مانند تربت امام حسین(ع)، در اهمیت بازتولید مناسک دینی در پهنه باورها و مناسک شیعی است، این نمادها نقش انتقال مفاهیم و تداعی خاطرات دینی و حوادث جانبی داشته و باعث زنده نگاه داشتن احساسات مذهبی می‌شوند. ممکن است یک نماد مذهبی مانند تربت، همچون عاملی قدرتمند و نه پدیده‌ای ساخته دست بشر، در ذهن کنشگر نقش بندد و او را به واکنش شدید احساسی ترغیب کند. قرآن کریم، آداب و شعائر دینی و نمادهای مذهبی را جزء ویژگی‌های همه امت‌ها می‌داند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۸: ۷۸). در مطالعات انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی دین، مطالعه شعائر و مناسک دینی و همچنین نمادهای مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چنان‌که دورکیم مناسک دینی را برای زندگی اخلاقی، همان‌قدر ضروری می‌بیند که خوراک برای رشد بدن ضرورت دارد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۰۵). ابزارهای نمادین مانند تربت امام حسین(ع) به عنوان یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم در نظر گرفته می‌شوند و خاطرات دینی و حوادث جانبی آن را تداعی می‌کنند و مانند آیین‌های از ورای تاریخ، تصویر حوادث را برای مخاطبان آشکار می‌سازند و واجد تقدسی خاص می‌شوند که می‌تواند زمینه‌ساز اثرگذاری مثبت در مراحل گوناگون زندگی (مراحل گذار) معتقدان به آن گردند.

مطالعات پیشین

در اینجا ما با دو نوع رویه در مطالعات پیشین روبرو هستیم. رویه اول که به لحاظ نظری در مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی به موضوع اشیا مقدس و یا مظاهر مقدس که تربت امام حسین(ع) نیز از این جمله است، پرداخته‌اند و نقش نمادها را به نقش و کارکردی که در اجتماعات انسانی ایفا می‌نمایند و در بخش چارچوب نظری بدان کارکردها اشاره شد، بررسی می‌کنند و نظرات علمای علوم اجتماعی همچون دورکیم، مری داگلاس و غیرتر در این خصوص آورده شد. دسته دوم مطالعاتی هستند که جنبه توصیفی داشته و بدون استنباط‌های نظری، به تربت و نقشی که در مراسم گذار از زادن تا مرگ ایفا می‌کند پرداخته‌اند.

روش پژوهش

یکی از حوزه‌های مهم مطالعات اجتماعی، انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی دین می‌باشد، موضوع این علم، بررسی بعد ذهنی و معنایی صورت‌های تجلی‌یافته دین در تاریخ، جامعه و رفتار انسان‌ها است. از روش‌های مهم در مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دین، روش تفسیری می‌باشد که به بررسی ماهیت نمادها و اعتقادات دینی و نقش آنها در معنابخشی به زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. از این رو مطالعه حاضر با روش تفسیری به مطالعه تربت امام حسین(ع) در مناسک گذار یعنی از تولد و زاد تا مرگ می‌پردازد که در حوزه انسان‌شناسی دین قرار می‌گیرد. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات، بررسی کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب و اسناد مربوط است.

چارچوب نظری

از نظر دورکیم دین مجموعه یکپارچه‌ای از عقاید و اعمال مربوط به اشیا مقدس است، یعنی دین چیزهایی را کنار نهاده و تحریم کرده است که همه مؤمنان آن‌ها را مراعات می‌کنند. به عبارت دیگر، عقاید و اعمال دینی، فرد را با اجتماع اخلاقی خاص پیوند می‌دهد. (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۵۸). ذات دین به نظر دورکیم عبارت است از تقسیم جهان به دو دسته نمودهای مقدس و غیر مقدس. بخش مقدس مرکب است از مجموعه‌ای از چیزها، باورها و مراسم. هرگاه امور مقدس با هم روابطی از نوعی هماهنگی یا تبعیت داشته باشند، به نحوی که تشکیل دستگاهی برخوردار از نوعی وحدت درونی مستقل از هر گونه

دستگاه دیگری را بدهند، در این صورت مجموعه مراسم و باور به آنها، مذهبی را به وجود می‌آورند. پس مذهب مستلزم وجود امر مقدس، سپس سازمان یافتن باورهای مربوط به امر مقدس و بالأخره مستلزم مراسم و اعمالی است که به‌نحوی کم‌وبیش منطقی مشتق از باورها هستند (آرون، ۱۳۷۰: ۳۷۵). بنابراین امور مقدس دارای دستگاهی همبسته از باورها و اعمالی هستند که مربوط بدان امرند. این باورها و اعمال، همه کسانی را که پیرو آنها هستند، در یک اجتماع اخلاقی واحد متحد می‌کنند.

مری داگلاس^۱ نیز در کتاب خود، خلوص و خطر^۲ (۱۹۶۶)، به شعایری که در فرهنگ‌های بدوی با آلودگی و تابو (مانند رعایت پاکی محل و اشیاء نیایش مانند منبر، مهر و تسبیح، جانماز،... و طهارت آنها...) مربوط است، می‌پردازد و از طریق تحلیل ساختاری نشان می‌دهد که این‌ها جلوه‌های نیاز عام انسانی به نظم دستگاه‌مند است. این نیاز هم در جوامع نوین و هم در جوامع بدوی حضور دارد. در کار داگلاس تأکید مشابهی برای نظم بخشیدن و دریافت کردن تجربه انسانی از طریق رمزهای نمادین که بیانگر جهان‌نگری‌های فرهنگی اساسی است نیز مشهود است. تأکید خاص او بر شعایر به‌عنوان حامل این رمزها و بر هم‌نوایی رمزهای شعایر با ساختارهای اجتماعی فرهنگ‌های خاص است. (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۹)

کلیفورد گیرتز^۳ معتقد است مطالعات مردم‌شناسی با رهیافت نشانه‌شناختی به فرهنگ همراه است؛ چرا که یک مردم‌شناسی وقتی با بافت‌های فرهنگی بیگانه‌ای مواجه می‌شود فقط با گشودن گره معنای نشانه‌ها (یا نمادها) می‌تواند آن را بفهمد. (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۴ در مورد نظرات گیرتز در مورد نمادها نک به: دی مور، ۱۳۹۱: ۲۸۵ - ۲۹۶)

برداشت اساسی گیرتز از نظام فرهنگی، نمادشناختی است؛ زیرا به نظم و الگوی مشخص نمادها و معانی در هر فرهنگ خاص می‌پردازد. این نمادشناسی، به جنبه‌های گوناگون فرهنگ نظیر هنر، علم، فلسفه... و فراتر از همه دین قابل اطلاق است. گیرتز نمادهای مقدس را دارای کیفیت مضاعف بی‌همتایی می‌بیند. اینها از یک سو بازنمونی از نحوه وجود چیزها به‌دست می‌دهند یعنی کیهان‌شناخت یا مابعدالطبیعه؛

۱- Mary Douglas مردم‌شناسی انگلیسی

۲- Purity and Danger

۳- کلیفورد گیرتز Clifford Greetz مردم‌شناس آمریکایی

و از سوی دیگر راهنما یا برنامه‌ای برای عمل انسانی ارائه می‌دهند، یعنی اخلاق یا زیبایی‌شناسی. بدین-سان نمادهای مقدس، هم بیانگر یک است {هست} و هم نمایانگر یک باید. دین عبارت از مجموعه‌ای از چنین نمادهاست که تشکیل‌دهنده یک کل منتظم و بسامان یعنی یک نظام نمادین است که به کردار انسان و رویدادها معنی می‌بخشد و پشتوانه اساسی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و شیوه زندگی یک جامعه است. (الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵)

از جمله این نمادها، مهر و تسبیح تربت است که از خاک کربلا محل شهادت حضرت امام حسین(ع) تهیه می‌شود. وجود تربت امام حسین(ع) و شیوه استفاده و نگهداری از آن به نوع رفتار انسان با آن معنی و ارزش می‌بخشد و راهنمایی برای عمل انسان در رابطه با نمادهای دینی می‌دهد. طبق نظر گیرتز، نمادها و معانی آنها قابل بررسی تجربی است؛ زیرا ملموس و مشاع هستند و مابه‌ازاء خارجی دارند، و نه فقط در اذهان افراد هستند؛ به عبارت دیگر اجتماعی‌اند. گیرتز که مانند الیاده^۱، قائل به تقدس‌یابی^۲ چیزهای خاص است، هشدار می‌دهد که نباید اشیا و اعمالی را که به مثابه محملی برای معانی عمل می‌کنند(فی‌المثل این که هر چیز فی‌نفسه چه هست)، با نقش نمادین آنها خلط کرد. ما آنها را از آن روی که فی‌نفسه چه هستند، مطالعه نمی‌کنیم، بلکه انگاره‌های معنی را که در کاربرد آنها به عنوان نماد، مشخص است، مطالعه می‌کنیم. نمادهای دینی به دو نحو عمل می‌کنند: الف) تصویری از واقعیت را بیان می‌کنند؛ ب) با برانگیختن احوال و انگیزه‌های معین، به واقعیت شکل می‌دهند. (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۵ و ۱۴۶)

مفاهیم

نمادهای دینی

نماد^۳ عنصری است که معانی عمیق و متعددی را به صورت سربسته و متراکم در خود ذخیره می‌سازد؛ به-نحوی که جز از طریق رمزگشایی و تفسیر، به مفهوم و مقصود نهفته در کنه آن نمی‌توان دست یافت) تقی‌زاده داور، ۱۳۹۵ / شجاعی زند، ۱۳۷۸: ۲۸۲). به تعبیر گیرتز، نمادها عناصری هستند که ایده‌ها را

^۱ - Mircea Eliade - میرچا الیاده (۱۹۰۷-۱۹۸۶ م)، دین‌شناس، قوم‌شناس، هندشناس و پژوهنده اساطیر و سمبل‌ها و داستان نویس رومانیایی

^۲ - Hierophany

^۳ -Symbol

حمل و به مردم منتقل می‌کنند(تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۵). از این رو اشیاء، اعمال آیینی همراه با حرکات و اشارات خاص و اموری از این قبیل که در هر دین، مجموعه‌ای از آن به‌گونه‌های مختلف وجود دارد، نمادهایی هستند که معانی مشخصی را انتقال می‌دهند(پالس، ۱۳۸۹: ۳۴۴). در این معنا تربت نه به عنوان خاک بلکه به واسطه معانی و ایده‌هایی که حامل آنها است و به مردم منتقل می‌نماید مد نظر پژوهشگر در این مطالعه است. در این مطالعه، تربت به عنوان نمادی که معانی مشخصی را انتقال می‌دهد، مورد توجه است.

مناسک گذار

منظور از مناسک گذار^۱ توصیف آداب و رسومی است که در دوران حساس زندگی همچون زایش، بلوغ، پیوستن به گروه تازه، زناشویی و نظایر آن برگزار می‌شود. آیین‌های پاکشایی هم‌چون غسل تعمید نیز از جمله مناسک گذار هستند(نک به: فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۶۱ - پانوف، ۱۳۶۸: ۲۸۹ / ریویز، ۱۳۷۹: ۲۰۵)

^۱ - مناسک گذار Rites of passage اصطلاحی است که برای اولین بار در سال ۱۹۰۹ توسط آرنولد وان گنپ Arnold Van Genep مردم‌شناس بلژیکی ساخته شد و عمومیت یافت. این مناسک به باور او در لحظه‌های حساس زندگی انسان که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر انجام می‌گیرد، به منظور تثبیت آن صورت می‌پذیرد. تغییر موقعیت‌هایی هم چون تولد، ازدواج، مرگ و چنان در زندگی انسان مهم بوده‌اند که اشکال مناسک ویژه‌ای را به وجود آورده‌اند. وان گنپ در مناسک گذار سه مرحله قابل تفکیک را مشاهده می‌کرد: ۱- مرحله گسست Separation یا "پیش گذار" Preliminal که لحظه تفکیک با وضعیت یا زندگی پیشین است در این مرحله فرد از موقعیت یا وضعیت قبلی خود جدا می‌شود. ۲- مرحله "گذار" Passage یعنی مرحله‌ای که فرد از حالت قبلی جدا شده اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است، این لحظه که به آن لحظه "حاشیه" Merge نیز می‌گویند به قسمت میانه که پر از خطرات است، ارتباط می‌یابد. ۳- مرحله "پیوند دوباره" In corporation یا "پس گذار" Postliminal که به آن "لحظه تجمع" Aggregation هم می‌گویند، مرحله‌ای است که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت تازه یا ثانوی خود وارد شده و در آن پذیرفته شده است و با پایگاهی جدید دوباره در اجتماع جای می‌گیرد در این مرحله افراد از سوی آموزگاران خویش نسبت به قواعد و مقررات پایگاه یا جایگاه جدیدی که یافته‌اند، آگاهی می‌یابند. (نک به: فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۶۱ - پانوف، ۱۳۶۸: ۲۸۹ / ریویز، ۱۳۷۹: ۲۰۵)

وان جنپ برای مناسک گذار سه مرحله قائل بود :

- مرحله گسست
- مرحله گذار
- مرحله پیوند دوباره

هرچند ویکتور ترنر این سه مرحله را در چهار مرحله معروف خود تبیین می‌کند :

- مرحله گسست
- مرحله بحران
- مرحله جبران
- مرحله پیوند دوباره

که دو مرحله اول معادل همان مرحله گسست وان جنپ است (رنجبر، محمود و ستوده، ه، ۱۳۸۰/ فکوهی، ناصر، ۱۳۸۶).

در این مطالعه، نمادهای گذار به عنوان محمل، بستر یا در واقع بافتی هستند که در این بستر، تربت به عنوان نمادی که حاوی ارزش‌ها، باورها و معانی است، به انتقال آنها می‌پردازد و منشأ احساس و تفسیری از آن نماد می‌گردد.

تربت

خاک مقدس که بدان تربت نیز می‌گویند، به معنی مطلق خاک و به معنای خاص، خاکی است که از حوالی مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا (ص) می‌آورند و همچنین به هر خاک مقدس مطهری اطلاق می‌شود. در مورد وسعت و حریم تربت مقدس روایات گوناگونی آمده است، از جمله این که "خاک قبر امام حسین(ع) شفای دردهاست، هرچند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند (در روایت دیگر فرمود که } تا فاصله { هفتاد ذرع از قبر، تربت شفا را می‌توان برداشت و در روایت دیگر فرمود که تربت شفا را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر می‌توان برداشت. { حضرت امام صادق (ع) } شاملو، ۱۳۷۷: ذیل واژه

تربت امام حسین). از آنجا که این مقاله به بررسی تربت مقدس در فرهنگ ایران می‌پردازد، لازم است که به جایگاه خاک در فرهنگ ایران اشاراتی داشته باشیم.

جایگاه خاک در فرهنگ ایران

خاک یکی از عناصر اربعه است و به عربی آن را تراب خوانند. بر طبق رأی قدما، طبیعت آن سرد و خشک است و آنها می‌پنداشتند که طرز قرار گرفتن عناصر به ترتیب زیر است: ابتدا کره خاک است، بروی آن کره آب و بروی کره آب کره هوا و بروی کره هوا، کره آتش قرار دارد و برای این شکل قرار گرفتن عناصر بروی هم دلایلی اقامه می‌کردند که در کتب جغرافی و طبیعیات ایشان دلایل به طور مفصل مندرج است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه خاک) در ایران باستان و قبل از اسلام، آلودن آتش و خاک و آب و گیاه ممنوع بود. و کوشش داشتند که از آلودگی زمین جلوگیری نمایند و طبیعی است نتیجه این امر جلوگیری از انتشار بیماری می‌نموده است. در فقره‌های مختلف و نندیداد^۱ در مورد احترام به خاک آمده است که مرده در نظر ایرانیان از کثیف‌ترین چیزها بوده است، به این جهت زرتشتیان مرده خود را در دخمه می‌گذاشتند. همچنین اگر زمین‌های زراعتی به مردار حیوانی و لاشه انسانی آلوده شده بود، باید یکسال در آن زراعت نگردد، بلکه در معرض نور آفتاب قرار گرفته تا پاک و قابل زرع گردد و هرکس بر خلاف آن عمل نماید، گناهکار محسوب گردیده و برای منزه شدن و بخشودگی گناهش می‌بایست مبلغی جهت آتش مقدس بپردازد تا رستگار شود. بی‌احترامی به زمین با مجازات‌هایی مانند تازیانه مصادف می‌گردید. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۳۳)

جایگاه خاک در ایران بعد از اسلام

اولین نکته قابل تأمل در اسلام، توجه به نوع جهان‌بینی آن است به طوریکه انسان را به عنوان جزئی از طبیعت (یکی از مخلوقات) مورد توجه قرار می‌دهد. در طب سنتی ایرانی اسلامی، تئوری ارکان اربعه (عناصر خاک، آب، آتش و باد) اساس ورود به پزشکی است (حیدرنیا، ۱۳۷۹). از نظر فیزیکی موجودات به چهار نوع عنصر تقسیم می‌شوند: جامدات (نماینده آن زمین یا خاک)، مایعات (نماینده آن آب)، گازها یا

^۱ - وندیداد یکی از پنج بخش اوستای موجود است ولی در مراسم دینی خوانده نمی‌شود. مندرجات آن مختلف است (دهخدا، ذیل واژه وندیداد)

بخارات(نماینده آن هوا)، نیروها(نماینده آن آتش یا نور). انسان نیز مانند موجودات دیگر از اجتماع همین چهار عنصر جداگانه(اخلاط چهارگانه) به وجود آمده است (طهماسبی، ۱۳۷۱).

تربت در مناسک گذار از زاد تا مرگ

اگر از خشت افتادن، در خشت افتادن و به خشت افتادن به معنی زاده شدن است و این از آنجا پدید آمده است که چون زایمان زن پابزا فرا می‌رسید، او را بر سر خشت می‌نشاندند، پس سر بر خشت گذاشتن به معنی مردن است، و هنوز هم در هنگام به خاک سپردن مرده خشتی (یا: آجری) زیر سر مرده و خشتی در زیر کمر او می‌نهادند و شب آن روز هم که مرده را به خاک می‌سپردند، کسانش به جای او خشتی می‌نهادند. (نک به : کتیرایی، ۱۳۴۸) اگر به این آداب و رسوم بنگریم، می‌بینیم از هنگام زاده شدن تا مردن یک پیوستگی ناگسستگی در میان آنها یافت می‌شود که خاک مقدس یا تربت یکی از حلقه‌های اتصال است. تربت مقدس سیدالشهدا به غیر از مورد زاد و مرگ در بسیاری موارد از جمله شفای بیماران، رفع هول و ترس، حفظ مال و... نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در فرهنگ عمومی ابتدا و آغاز هر کاری از ارزش و اهمیت دو چندان برخوردار است. از این رو تولد نوزاد واقعه بسیار مهمی محسوب می‌شود و آیین‌هایی که در آن زمان اجرا می‌شوند از اهمیت خاصی برخوردارند. روایات فراوانی از ائمه گزارش شده، مبنی بر این که کام نوزادان را در ابتدای زندگی با تربت سیدالشهدا تبرک کنید؛ از جمله: "عن الحسين بن ابی العلاء قال سمعت ابا عبدالله (ع) يقول: حنكوا اولادکم بتربة الحسين (ع) فانها امان؛ حسین پسر ابی‌علا می‌گوید، شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: کام فرزندانان را با تربت سیدالشهدا بر دارید، زیرا تربت آن حضرت سبب در امان بودن است." صاحب وسائل الشیعه^۱ بابی را تحت عنوان "استحباب الاستشفاء بتربة الحسين (ع)... و تحنیک الاولاد..." گشوده و در آن چهار روایت آورده است. فقها نیز بر اساس این روایات فرموده‌اند، برداشتن کام نوزادان با تربت

۱- کتاب «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» اثر شیخ محمد حسن حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ ق) معروف به شیخ حرّ عاملی است که در بردارنده مجموع احادیث کتب روایی شیعه قبل از خود، در مباحث فقهی می‌باشد که در طول ۱۸ سال نگاشته شده‌است. شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی معروف به شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳ قمری در روستای «مشغره» از توابع جبع در لبنان - ۲۱ رمضان ۱۱۰۴ قمری)، از علما و فقهای شیعه در قرن ۱۱ هجری و مؤلف کتاب وسائل الشیعه است (نک به: ضمیری، ۱۳۸۲)

سیدالشهدا مستحب است. محقق حلی در مقام تبیین مستحبات به اولاد می‌نویسد: " و تحنیکه بماءالفرات و بتربة الحسین (ع) ؛ مستحب است کام نوزادان با آب فرات و تربت سیدالشهدا برداشته شود. پس از محقق حلی، دیگر فقها از جمله شیخ انصاری یکی از مستحبات درباره اولاد را تحنیک با آب فرات و تربت سید الشهدا می‌داند، و می‌فرماید: شستن نوزاد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، برداشتن کام او با آب فرات و تربت سیدالشهدا مستحب است (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۰).

از چند روایت استفاده می‌شود اگر کام طفلی با آب فرات برداشته شود، دوست و شیعی‌ی اهل بیت(ع) می‌گردد و فرموده‌اند اگر مردم کوفه کام اولادشان را با آب فرات بر می‌داشتند دوست ما می‌شدند، زیرا که فرات نهر مؤمن است(مجلسی، بحارالانوار: ج ۱۰۴، ۱۲۶). استفاده از تربت بدین صورت است که ذره‌ای تربت کربلا که منسوب به امام حسین(ع) است در دو سه قطره آب تمیز حل کرده و در کام نوزاد بریزید(بهتر است آب زمزم باشد).

در فرهنگ عامه تهران مانند بسیاری نقاط دیگر ایران بعد از به دنیا آمدن، قابله و یا یکی از پیرزنان حاضر در مجلس، انگشتش را به خاک پاک و یا تربت سیدالشهدا آشنا می‌کرد و به دهان نوزاد می‌برد و دعا می‌خواند و سق نوزاد (کام) او را برمی‌داشت.(کتیرایی، ۱۳۴۸: ۲۹) سق برداشتن و یا کام برداشتن، بدین‌گونه بود که کام نوزاد را ماما یا زنی که مؤمن و صبور است برمی‌دارد. او انگشت نشانه {سبابه} خود را به تربت (خاک زمین کربلا) و یا بر انگشتی که روی نگین آن نام پنج‌تن: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین کنده شده است، می‌زند و کام نوزاد را با آن سوی بالا فشار می‌دهد. سق نوزاد را از آن روی برمی‌دارند، چون می‌گویند، بچه که زاییده می‌شود، سق‌اش پایین افتاده و راه دهانش بسته است و نمی‌تواند شیر مادر را به راحتی بخورد.(بلوکباشی، ۱۳۳۴).

روایات وارده، در این مورد فراوان است؛ در کتاب جامع احادیث الشیعه^۱ بابی را با نام "باب الاستشفاء بتربة الحسین (ع) و التبرک بها و تقبیلها و جواز اکلها للاستشفاء" منعقد و شش روایت را نقل کرده است؛ (بروجردی، ۱۳۴۰، ج ۱۵، باب ۷۶: ۳۹۹) از جمله: "عن محمد بن سلیمان البصری عن ابيه عن ابي عبدالله (ع) قال فی طین قبرالحسین (ع) الشفاء من کل داءٍ و هو الدواء الاکبر ؛

^۱ - جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، کتابی جامع شامل احادیث فقهی، به عربی، اثر اسماعیل معزی ملایری که با پیشنهاد و نظارت آیت الله حاج آقا حسین بروجردی * (متوفی ۱۳۴۰ ش) تألیف شد. (بروجردی، ۱۳۸۰ ق)

محمد پسر سلیمان بصری از پدرش نقل می‌کند، امام صادق (ع) فرموده، خاک قبر امام حسین (ع) شفای هر دردی است و بزرگ‌ترین دارو همان است (بروجردی، ۱۳۴۰، ج ۴: ۴۰۲).

فقها با این که خوردن خاک هرچند ناچیز را حرام می‌دانند، در مورد تربت سیدالشهدا فتوا به جواز داده‌اند؛ محقق حلی در این باره فرموده است: "خوردن خاک هرچند اندک حلال نیست مگر تربت سیدالشهدا، پس خوردن آن به قصد استشفای جایز است." صاحب جواهر^۱ پس از نقل سخن محقق می‌نویسد: "اختلافی در این مطلب نیست بلکه اجماع به هر دو قسم (منقول و محصل) بر آن قائم شده و روایات در این مورد در استفاضه و یا متواتر است." (محقق حلی، شرائع الاسلام، در ضمن جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۵۸)

سفره عقد یکی از سفره‌های سنتی ایرانی است که در مراسم عقد و یا هنگام عروسی پهن می‌شود و عروس و داماد بر سر آن می‌نشینند و به خطبه عقد گوش فرا می‌دهند. سفره عقد در اکثر شهرهای ایران رواج دارد و در آن شش ظرف که هر کدام محتوی چیزی است که بیانگر آرزویی برای عروس داماد است، قرار دارد. قرآن مجید، کتاب خدا به نشانه‌ی مورد تأیید قرار داشتن وصلت از سوی خداوند و طلب یمن و برکات الهی جلو آینه و بالای جانماز قرار می‌گیرد. آینه همچنان که در خرید عروسی آینه در سرلوحه و پس از قرآن مجید قرار دارد، در سفره عقد نیز در صدر سفره و رو به عروس و داماد قرار می‌گیرد تا با نگریستن در آن دل‌هایشان نسبت به هم مانند آینه صاف و زلال باشد و سعادت‌مند شوند. یک جفت شمعدان در دو سوی آینه جای دارند و شمعه‌های فروزان درون آنها هنگام جاری شدن صیغه عقد، نشانه آرزوی روشنایی و گرمی در پیوند عروس و داماد است. جنس شمعدان با قاب آینه یکی و معمولاً نقره برنز یا بلورین می‌باشد. جانماز پیشاپیش آینه گسترده می‌شود و روی آن مهر و تسبیح زیبایی قرار می‌دهند تا گواهی بر پای بندی زوج نسبت به اصول دین اسلام باشد و تبرک آن شامل حال عروس و داماد شود. این سجاده و زیر مه‌ری کوچک روی آن یا از جنس ترمه قدیمی به جا مانده در خانواده با آستر ساتن خوش رنگی مانند زرشکی و غیره می‌باشد یا آن را مخصوص عروس از مخمل سفید

^۱ - آیه الله شیخ محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبدالرحیم بن آقا محمد بن ملا عبدالرحیم شریف اصفهانی، معروف به صاحب جواهر است، در مورد ولادت او شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمال می‌دهد که ولادت او در سال ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۲ رخ داده باشد، برخی احتمال داده‌اند به نشان اینکه او در درس علامه آقا وحید بهبهانی شرکت جسته است، ولادت او حدود ۱۱۹۲ باشد، ولی احتمال اول شیخ آقا بزرگ صحیح تر به نظر می‌رسد. (انصاری قمی، ۱۳۸۵/اسلامی، ۱۳۷۳).

می‌دوزند و رویش را با نخ براق نقره‌ای سوزن دوزی می‌کنند. مهر این جانماز به شکل قلب یا گل یا اشکال زیبا و استثنایی دیگر انتخاب می‌شود. (در مورد سفره عقد در تهران قدیم نک: نجمی، ۱۳۶۲: ۱۹۹-۲۰۰) و معمولاً برای تبرک جستن به امامان شیعه تلاش می‌نمایند که این مهر از خاک تربت کربلا تهیه شده باشد تا زوج جوان در پناه الطاف اهل بیت در زندگی سعادت‌مند و خوشبخت شوند.

مواردی که به برکت تربت آن حضرت شفا گرفته‌اند، فراوان است؛ به عنوان نمونه محدث قمی^۱ می‌نویسد: "سید نعمت الله جزایری^۲ چون در اوایل تحصیل قادر بر تهیه چراغ برای مطالعه نبود، از نور مهتاب استفاده می‌کرد و بر اثر کثرت مطالعه و نوشتن چشمش ضعیف و کم نور شد. از این رو، تربت سیدالشهدا و سایر ائمه(ع) را به چشم خود می‌کشید و از برکت آن تربت‌ها روشنی دیده‌اش افزون می‌گشت... و این حقیر نیز هرگاه به سبب زیاد نوشتن چشم ضعف پیدا می‌کند، تبرک می‌جویم به تراب مراقد ائمه، و گاه‌گاهی به کتابت احادیث و اخبار و به حمدالله چشمم در نهایت روشنی است." (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۵: ۶۹۵).

داستان آیت الله بروجردی^۳ معروف است، آیت الله محمد یزدی می‌گوید:

"یکی از مطالبی که در خصوص حضرت آیت الله بروجردی شهرت یافته است شفا گرفتن ایشان از سیدالشهدا (ع) است. ظاهراً یک بار چشمان ایشان دچار ضعف یا درد می‌شود و نیاز به عینک پیدا می‌کند. از قضا آن ایام مقارن با ایام محرم و خروج دستجات سینه‌زنی و عزاداری بود. آن مرحوم دستور

^۱ - شیخ عباس قمی معروف به محدث قمی از محدثان شیعی پرکار قرن چهاردهم هجری است. معروف‌ترین کتاب شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان است. این کتاب مجموعه دعاهایی است که در کتابهای مختلف حدیث، از امامان شیعه نقل شده و شیخ قمی آن‌ها را به صورت موضوعی دسته بندی کرده است. در سال ۱۲۹۴ هـ ق (۱۲۵۴ هـ ش) در قم متولد شد. در سن بیست و دو سالگی به نجف رفت و شش سال آنجا ماند. پس از آن دوباره به ایران برگشت و تا آخر عمر، یعنی تا شصت و پنج سالگی در قم درس خواند و درس داد. (البته مدفن ایشان در نجف عراق در کنار بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام است).

^۲ - سید نعمت‌الله جزایری فرزند سید عبدالله که به دوازده واسطه نسب او به عبدالله پسر موسی بن جعفر می‌رسد یکی از اعلام بزرگ شیعه در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری است که به سید جزائری معروف بوده است. (اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۷۰۳-۷۰۵؛ جزایری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۲)

^۳ - سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴ در بروجرد - ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ در قم) از مراجع شیعه ایرانی در سده چهاردهم می‌باشد. وی به مدت هفده سال زعیم حوزه علمیه قم و به مدت پانزده سال تنها مرجع تقلید شیعیان جهان بود. او در خانواده‌ای مذهبی از علما که نسب خود را با سیزده واسطه به امام حسن می‌رسانند متولد شد. (دوانی، مفاخر، ج ۱۲، صص ۶۹ - ۹۵)

می‌دهد که قدری از گلی که عزاداران حسینی به سر می‌مالند برای ایشان بیاورند تا به چشم‌هایشان بکشند. این کار را می‌کنند و باعث بازگشت سلامت و صحت به چشمان ایشان می‌شود. (مرعشی، ۱۳۶۹)

در هنگام بروز آبله در کودکان نیز اولین کار این بود که چشم و گوش و زبان کودکان را که غالباً زودتر مورد حمله بیماری قرار می‌گرفتند، با تربت اصل مهر کنند. برای این کار قطعه‌ای از تربت را به دست گرفته و به گوش راست بچه می‌گذاشتند و می‌گفتند: "به حق الله" و به گوش چپ کودک می‌گذاشتند و می‌گفتند: "به حق محمد"، به چشم راست و "به حق علی"، به چشم چپ و به حق حسن، به زبان و "به حق حسین"، و قسم می‌دادند که این اعضا از بالای آبله محفوظ بماند و این عمل را "مهر کردن" می‌گفتند. (شاملو، ۱۳۷۷: ذیل واژه تربت) از حضرت صادق منقول است: "هر که علتی را حادث شود {و} به تربت آن حضرت مداوا کند، البته شفا یابد، مگر آن که علت مرگ باشد." (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۷۸)

روایاتی دلالت دارد، همراه داشتن مقداری از تربت سیدالشهدا برای در امان بودن از خطرات و ترس و وحشت سودمند و مستحب است؛ در جامع احادیث الشیعه بابی را با عنوان "استحباب تربته الحسین (ع) للامان و دفع الخوف" منعقد کرده و در آن روایاتی را که مربوط به این مدعا است، گزارش کرده؛ از جمله: "عن الصادق (ع) اءذا اراد أحدکم أن یکون أمناً من کل خوف فلیأخذ السبحه من تربته.... ثم یضعها فی جیبه فاءن فعل ذلک فی الغداء فلا یزال فی أمان الله حتی العشاء وءان فعل ذلک فی العشاء فلا یزال فی أمان الله حتی الغداء؛ امام صادق (ع) می‌فرمایند: هرگاه شخصی از شما بخواهد از هرگونه ترس و وحشت به دور باشد، از تربت سیدالشهدا تسبیح درست کند.... سپس آن را در جیب خود قرار دهد، اگر این کار در صبح انجام گیرد تا شب در امان است و اگر در شب این کار انجام گیرد تا صبح در امان است." (علامه مجلسی، ج ۸۳).

فقها نیز به این مطلب توجه کرده و آن را مستحب دانسته‌اند از جمله صاحب جواهر در مقام تبیین آداب مسافر و آنچه بر مسافر مستحب است می‌فرماید:

"سزاوار است برای مسافر و غیر مسافر همراهی مقداری از تربت امام حسین (ع) زیرا این تربت موجب امان از هرگونه ترس و موجب شفای هرگونه دردی است." (محدثی، ۱۳۷۸)

آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی^۱ می‌گوید: "زمانی که رودخانه قم در اثر سیل طغیان کرده بود و آب تا لبه پل علی خانی رسیده بود، به گونه‌ای که عده‌ای از روی پل با آب رودخانه وضو می‌گرفتند و به خاطر آن نیز برای جلوگیری از نفوذ آب تمام فرش‌های مسجد امام را جمع کرده بودند، مرحوم حاج عبدالکریم حائری روی پل رفت و مقداری تربت مزار سیدالشهدا(ع) را در دست گرفت و چیزی بر آن خواند و در آب انداخت، پس از این کار مرحوم حائری، به تدریج آب پایین آمد و بعد از چند ساعت چندین متر آب پایین‌تر رفت و به برکت این کار وی از طغیان بیش از حد رودخانه جلوگیری به عمل آمد (رخشاد، ۱۳۸۵)

می‌گویند ثواب ذکر با تسبیح خاک تربت هزاران بار بیش از ذکر با هر تسبیح دیگر است و ثواب نماز با مهر تربت، هر رکعتش برابر با هزار و زیاده‌تر رکعت است و با هر قیام و قعودش، هفتاد هزار ملک تسبیح-خوان نمازگزار می‌آید. (قمی، بی تا، ص ۸۶-۹۰) به عبارتی این نوع تسبیح و این نوع مهر نسبت به مهر و تسبیح‌های دیگر، ویژگی می‌یابند و جایگاه خاص در میان استفاده‌کنندگان از آن پیدا می‌شود. بی‌شک با ارزش‌ترین اعمال زندگی انسان‌ها، عبادت و پرستش معبود است و بافضیلت‌ترین عبادات، نماز و از بهترین اجزا و افعال نماز، سجده است و از سویی محبوب‌ترین سجده آن است که با تربت سیدالشهدا باشد. مبنای این مطلب، روایات بسیاری است که در کتاب‌های حدیثی گزارش شده است؛ از جمله، شیخ حر عاملی بابی را با عنوان "استحباب السجود علی تربة الحسین(ع) گشوده و چهار حدیث در آن آورده است؛ از جمله: "محمد بن علی بن الحسین قال، قال الصادق (ع): "السجود علی طین قبرالحسین ینور الی الارضین السبعة... (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳ و باب ۱۶ از ابواب ما یسجد علیه، ص ۶۰۷) شیخ صدوق^۲ می‌گوید، امام صادق فرموده است: سجده بر تربت حسین (ع) تا زمین هفتم را نورانی می‌کند." (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۹۲، مسأله ۲۶، فی مسجد الجبهه.)

۱- محمدتقی بهجت فومنی (زاده ۱۲۹۴ در فومن - درگذشته ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ در قم)، از عرفای به‌نام و از مراجع تقلید شیعه بود. وی نزد بسیاری از کسانی که او را می‌شناختند بخصوص علاقه‌مندانش شخصیت بی‌نظیر معنوی و مشهور به داشتن خوارق عادات و تجارب و حالات معنوی او عرفانی بود. (نک به رخشاد، ۱۳۸۶)

۲- ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق و ابن بابویه (زاده ۳۰۶ - قم و درگذشته ۳۸۱ - شهر ری) از علمای شیعه در قرن ۴ و از بزرگان علم حدیث است.

در روایت دیگر آمده است :

"كان الصادق (ع) لا يسجد الاعلى تربة الحسين (ع) " امام صادق (ع) جز بر تربت امام حسین (ع) سجده نمی کرد...."

فقها نیز بر اساس این روایات، فتوا به استحباب سجده بر تربت امام حسین (ع) داده‌اند. محقق یزدی^۱ می‌فرماید : " سجده بر زمین افضل از سجده بر نباتات و کاغذ است و دور نیست سجده بر زمین، افضل از سجده بر سنگ باشد و افضل از تمام آنچه سجده بر آن صحیح است، سجده بر تربت امام حسین (ع) است." (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲ ج ۱، ص ۵۹۲، مسأله ۲۶، فی مسجد الحبه).

فقیهانی که بر عروه ۲ حاشیه دارند، در این مسئله حاشیه زده‌اند و آن را پذیرفته‌اند. علامه امینی^۳ درباره‌ی سجده بر تربت سیدالشهدا می‌فرماید: "آیا بهتر آن نیست که سجده‌گاه از خاکی قرار داده شود که در آن چشمه‌های خونی جوشیده است که رنگ خدایی داشته است." (تربت امام و الهام های قرآن از جمله ر.ک: مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۴: شماره های ۱۴۷ و ۱۴۸).

یکی از خصوصیات بارز آیت‌الله حائری یزدی این بود که همواره تسییحی از تربت سیدالشهدا (ع) را به جهت تبرک و توسل، در عمامه خویش قرار می‌داد، تصویری از اقامه نماز جماعت توسط ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) را وجود دارد که تسییح تربت در میان عمامه مرحوم آیت‌الله حائری نمایان است. (دفتر ثبت کرامات و خاطرات مسجد مقدس جمکران، شماره ۲۴۱ ثبت شده است.)

معتقدند اگر این تربت با هر کس یا هر مالی باشد، از تمام خطرات محفوظ می‌ماند و در میان هر مالی که به جایی می‌فرستند قدری از آن تربت در میانش می‌گذاشتند تا به برکت آن محفوظ بماند.

۱- سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، معروف به صاحب عروه [حسن صدر، تکمله امل الامال، جلد ۵، صفحه ۴۷۴] از فقهای نامدار شیعیان جهان در قرن گذشته بود. آنچه مایه شهرت وی گردید، یکی تسلط بر مسائل فقهی و تألیف کتاب «عروة الوثقی» بود که بسیار مورد توجه فقها تا عصر حاضر قرار گرفت، و دوم زعامت و رهبری شیعیان در دوره مشروطه در تاریخ ایران است.

۲- العروة الوثقی نام مشهورترین کتاب آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی است. شهرت کتاب به حدی است که مؤلف آن در بین علمای شیعه به «صاحب عروه» معروف است. این کتاب شامل ابواب مختلف فقه شیعه است و مجموعاً دارای ۳۲۶۰ مسأله است که در سه جلد تألیف شده است. برخی نویسنده کتاب عروه الوثقی را آغازگر دوره جدیدی در فقه شیعه دانسته‌اند.

۳- عبدالحسین امینی نجفی مشهور به «علامه امینی» از علمای بنام شیعه و نویسنده کتاب دائرةالمعارفی «الغدیر» است. علامه امینی در مقام اجتهاد، منزلت و جایگاه والایی داشتند و بیشتر ساعات ایشان به تحقیق و مطالعه می‌گذشت و از منابع علمی اسلامی توشه برمی‌گرفت. ایشان در تفسیر، حدیث، تاریخ و علم رجال صاحب‌نظر بود. (نک به : دانشنامه اسلامی)

همان گونه که مستحب است مقداری از تربت سیدالشهدا همراه مسافر باشد همچنین روایاتی دلالت دارد که قرار دادن مقداری از تربت سیدالشهدا در میان اثاثیه سفارش و تأکید شده است در کتاب جامع احادیث الشیعه^۱ بابی با نام " باب استحباب وضع الطین من قبر الحسین (ع) فیما بین المتاع " منعقد کرده و یکی از روایات آن چنین است :

"محمد بن عیسی یقظین قال بعث اءلی أبوالحسن الرضا (ع) رأیت فی أضعاف الثیاب طیناً فقلت للرسول ما هذا فقال لیس یوجه بمتاع اءلا جعل فیہ طیناً من قبرالحسین (ع) ثم قال الرسول قال أبوالحسن (ع) هو أمان باذن الله ؛

محمد پسر عیسی یقظینی می گوید: امام رضا برایم مقداری لباس فرستاد... در میان لباس ها مقداری خاک دیدم، از مأمور پرسیدم: این خاکها چیست، جواب داد :امام رضا هیچ گاه اثاث را به جایی نمی فرستد مگر این که در آن مقداری از خاک قبر امام حسین (ع) قرار می دهد، سپس فرستاده آن حضرت گفت: امام رضا می فرماید: این خاک موجب حفظ اثاث است . ان شاء الله . (بروجردی، ۱۳۸۰ ق = ۱۳۴۰)

یکی از احکام و واجبات در مراسم بعد از مرگ، عبارت است از :حنوط^۲. روایاتی وارد شده بر این که حنوط با تربت سیدالشهدا مخلوط شود؛ شیخ حر عاملی بابی را تحت عنوان " استحباب وضع التربة الحسنيه مع المیت فی الحنوط... " منعقد کرده و روایاتی را گزارش کرده از جمله :

" محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، قال کتبت اءلی الفقیه (ع) اسئله عن طین القبر، یوضع مع المیت فی قبره هل یجوز ذلک أم لا؟ فاجاب (و قرئت التوفیق و منه نسخت) توضع مع المیت فی قبره و یخلط

۱- جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، کتابی جامع شامل احادیث فقهی به عربی اثر اسماعیل معزی ملایری که با پیشنهاد و نظارت آیت الله حاج آقا حسین بروجردی (متوفی ۱۳۴۰ ش) تألیف شد. (دانشنامه اسلامی، ذیل کتاب جامع احادیث الشیعه)

۲- (ح) [ع] (؛) دارویی معطر مانند کافور که پس از غسل میت به جسد می زنند تا دیرتر متلاشی شود. (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه حنوط) / حنوط. [ح] [ع] (؛) بوی مردگان . (مذهب الاسماء). ج ، حنط. (مذهب الاسماء). بوی خوش برای مردگان . (ناظم الاطباء) (منتهی الارب) (اقرب الموارد). عطر مردگان . بوی خوش و هر ادویه ای که از فساد جلوگیری کند، از قبیل : ذریره و مشک و عنبر و کافور و جز آن از قصب هندی و صندل که جسد میت را پس از خشک شدن با آنها پر کنند تا از پوسیدن آن تا زمان درازی جلوگیری نماید. (از اقرب الموارد) : از دانه انگور بسازید حنوطم / وز برگ رز سبز ردا و کفن من . (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه حنوط) / حنوط در لغت به هر ماده خوش بویی گفته می شود که بدن یا کفن میت را بدان معطر کنند، لیکن در کلمات فقها تنها درباره کافور به کار رفته که به مواضعی از بدن میت مالیده می شود. مالیدن کافور به بدن میت را «حنیط» گویند. (نک: لسان العرب ج ۷، ص ۲۷۸، مجمع البحرین ج ۴، ص ۲۴۳. / مستمسک العروة ج ۴، ص ۱۸۵، جامع المقاصد ج ۱، ص ۳۵۸

بحنوط ان شاء الله؛ جعفر حمیری^۱ می‌گوید: طی نامه‌ای از فقیه (امام زمان) (ع) پرسیدم، خاک قبر امام حسین را همراه با مرده در قبرمی‌گذارند، آیا جایز است؟ آن حضرت پاسخ داد (من خودم پاسخ را با مهر شریف خواندم و از آن نسخه برداری کردم) با میت در قبر بگذارید و آن را با حنوط مخلوط کنند. ان شاء الله."

فقها نیز فتوا داده‌اند، مخلوط کردن مقداری از تربت امام حسین با کافور مستحب است. صاحب عروه می‌فرماید: "مخلوط کردن مقداری از تربت قبر امام حسین (ع) با کافور مستحب است و لیکن نباید با آن جاهایی از بدن که با رعایت احترام ترتب منافات دارد مسح شود." (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۱۲. مستحبات الکفن.)

فقیهان صاحب حاشیه نیز این فتوا را تلقی به قبول کرده‌اند و حاشیه‌ی ردی بر آن نرده‌اند. حضرت امام در تحریر الوسیله می‌فرماید:

"مستحب است در حنوط میت کافور را با مقداری تربت شریفه سیدالشهدا صلوات الله علیه مخلوط کنند لکن اگر کردند دیگر در مواضعی که منافی با احترام تربت است نظیر دو شست پا { انگشت ایهام } نمالند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۰)

می‌گویند گذاشتن تربت در کفن مرده او را از فشار غسل و کفن، قبر و سؤال و جواب نکیر و منکر و عذاب دوزخ در امان می‌دارد. تا آنجا که معتقدان، بی‌سر و صدایی غسل‌خانه و گورستان را از خاصیت تربت دانسته، در غیر این صورت صدای ضجه و فغان مرده‌ها از فشار آب غسل و کفن و قبر و عذاب نکیر و منکر به آسمان می‌رود. (شاملو، ۱۳۷۷: ذیل واژه تربت، هم‌چنین نک به: شهری، ۱۳۶۷: ۱۵۷)

پاره‌ای با تربت سیدالشهدا بر کفن آیه‌های قرآن را می‌نویسند - آیه مربوط به مرگ و قیامت است - و برخی دیگر این کار را نمی‌کنند و می‌گفتند نوشتن آیه و این‌گونه چیزها بر کفن که می‌پوسد و خاک می‌شود، گناه دارد. (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۲۵۱)

۱ - عبدالله بن جعفر حمیری؛ عالم و محدث شیعی در قرن سوم و قرن چهارم می‌باشد از تاریخ دقیق ولادت و وفات عبدالله بن جعفر اطلاعی در دست نیست، اما بدون شک در دوران امامت امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و در دوره غیبت صغرا می‌زیسته است.

روایاتی دلالت دارد بر این که مستحب است، بر کفن میت آیات و شهادت بر توحید، نبوت و امامت نوشته شود و روایاتی نیز وارد شده که مستحب است این کتابت با تربت سیدالشهدا باشد. صاحب وسائل الشیعه بابی را تحت عنوان استحباب کتابه اسم‌المیت علی الکفن و انه یشهد أن لا اله الا الله و یکون ذلک بطین قبر الحسین (ع) گشوده و روایاتی را گزارش کرده است.

فقها نیز فرموده‌اند، نوشتن نام ائمه، آیات و دعای جوشن با تربت سیدالشهدا بر کفن مرده مستحب است از جمله صاحب جواهر می‌نویسد: "از آنچه گفته شد دلیل آن چه را که بسیاری از فقها فرموده‌اند، روشن می‌شود بلکه در جامع المقاصد و کشف اللثام به فقها نسبت داده‌اند استحباب کتابت (نام ائمه، آیات و شهادت بر توحید، نبوت و امامت) با تربت سیدالشهدا را به جهت رعایت وظیفه کتابت و احترام تربت".

صاحب عروه^۱ نیز در مقام بیان مستحبات تکفین میت می‌فرماید: "بهتر این است که دعاهای مذکور (قرآن، جوشن کبیر، حدیث سلسله الذهب) با تربت سیدالشهدا نوشته شود." (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۱۲. مستحبات الکفن).

شیخ طوسی^۲ در این باره می‌نویسد: "چون روز عاشورا رسید از خوردن غذا و نوشیدن آب خودداری کن تا بعد از ظهر سپس اندکی از تربت سیدالشهدا تناول کن." از این عبارت، استفاده می‌شود تناول مقداری از تربت غیر از خوردن به قصد استشفای است. فقهای بعد از شیخ طوسی نیز این مطلب را یادآور شده‌اند؛ از جمله صاحب جواهر می‌نویسد: "به هر حال خوردن خاک قبر امام حسین (ع) برای غیر استشفای از جمله به قصد تبرک در عصر روز عاشورا جایز نیست... ولی بعضی از فقها مخالفت کرده و خوردن را همانند شیخ جایز دانسته‌اند".

در فرهنگ اسلام به ویژه شیعه، برای عید فطر آداب و احکامی وجود دارد؛ از جمله مستحبات آن عبارت است از افطار روزه با مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) در این باره روایاتی نیز رسیده شیخ حر عاملی بابی را

۱- سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (درگذشته ۸ اردیبهشت ۱۲۹۸ شمسی در نجف) معروف به صاحب عروه* از فقهای نامدار شیعیان در ۲ قرن گذشته است. وی پس از درگذشت آخوند خراسانی، مرجعیت عامه شیعه را بر عهده داشت.

۲- محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، شیخ الطایفه و شیخ، از علمای ایرانی شیعه در قرن ۵ قمری. او معاصر سلطان محمود غزنوی، حکومت آل بویه، شیخ صدوق، فردوسی، شیخ مفید و سید مرتضی بوده‌است. (نک به: دانشنامه اسلامی)

تحت عنوان "استحباب الاءفطار يوم الفطر علی تمر و تربه حسینیة" منعقد نموده و در آن روایاتی گزارش شده است، از جمله: "علی بن محمد النوفلی قال قلت لابی الحسن (ع) ائنی أفطرت يوم الفطر علی طین و تمر فقال لی جمعه بركة و سنه؛ علی پسر محمد نوفلی می‌گوید: محضر امام رضا (ع) عرض کردم، همانا روز عید فطر با تربت سیدالشهدا و خرما افطار کردم. پس آن حضرت فرمود: برکت و سنت(استحباب) را همراه کرده‌ای". برخی از فقها نیز فتوا به استحباب این عمل داده‌اند؛ از جمله در کتاب جواهرالکلام^۱ آمده است. شیخ طوسی در کتاب مصباح، خوردن مقداری تربت سیدالشهدا (ع) را در عصر عاشورا و عید فطر و عید قربان جایز دانسته است. و محدث قمی در آداب عید فطر می‌فرماید: "شیخ مفید فرموده، مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهدا (ع) که شفا است از برای هر دردی." (الشیخ الطوسی، ۱۳۶۹)

نقل است "وقتی می‌خواهی تربت را بخوری اول بیوس و بر هر دیده بگذار و زیاد از یک نخود مخور که هر که زیادتر بخورد، چنان است که گوشت و خون ما را خورده است. (شاملو، حرف آ، دفتر اول، ذیل واژه تربت امام حسین، هم‌چنین نک به مجلسی، حلیة‌المتقین: ۹۰)

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی حاضر که به روش تفسیری و با بهره‌گیری از باورها و معتقدات نسبت به تربت سیدالشهدا با بررسی کتب و اسناد و مدارکی که در این خصوص به رشته نگارش درآمده‌اند انجام گرفت، نقش نماد تربت در مناسک گذار از تولد تا مرگ مطالعه شد. اولین نتیجه‌ای که حاصل شد، فرآیند ابژه‌سازی است. به این شکل که افراد احساسات دینی خود را در نماد خاصی که در این‌جا تربت سیدالشهدا است، متبلور می‌بینند. در مطالعه عزیزآبادی و کیان‌پور که در خصوص جامعه‌شناسی احساسات مذهبی در زندگی روزمره دانشجویان دانشگاه تهران انجام گرفت به این امر اشاره شده است (نک به: عزیزآبادی. کیانپور، ۱۳۹۸) وجود تربت باعث بازتولید احساسات معنوی در افرادی می‌گردد که این نماد برایشان تداعی‌گر

۱- یکی از فقهای نامدار و جاودان شیعه، محمدحسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» می‌باشد. جد سوم ایشان، شیخ عبدالرحیم شریف، از اصفهان راهی نجف و در آنجا ساکن می‌شود. پدرش «محمدباقر نجفی» و مادرش از سادات آل حجاب (قبیله‌ای ساکن در اطراف شهر حله) بود. این منبع ارزشمند درباره احکام الهی و حلال و حرام شریعت اسلام می‌باشد. کتابی جامع در استنباط فقه. نقل اقوال فقهاء و استدلال دقیق از نکات عمده قابل توجه در جواهر است. جواهر در بیان همه فروع فقهی مانند «بحار الانوار» علامه مجلسی است.

موردی یا شخصی مقدس است. این احساسات به دیگران نیز منتقل می‌شوند. دورکیم به این معنا توجه کرده است. از نظر دورکیم، در هر اجتماعی، اشیاء، قطعات مختلف از جنس‌های مختلف وجود دارند که مربوط به آن امر مقدس‌اند و از این رو آنها نیز از حرمت و قداست برخوردارند. ذات دین به نظر دورکیم عبارت است از تقسیم جهان به دو دسته نمودهای مقدس و غیر مقدس. بخش مقدس مرکب است از مجموعه‌ای از اشیاء، باورها و مراسم. هرگاه امور مقدس با هم روابطی از نوعی هماهنگی یا تبعیت داشته باشند، به نحوی که تشکیل دستگاهی برخوردار از نوعی وحدت درونی مستقل از هر گونه دستگاه دیگری را بدهند، در این صورت مجموعه باورها و مراسم به آنها، مذهبی را به وجود می‌آورند پس مذهب مستلزم وجود امر مقدس، سپس سازمان یافتن باورهای مربوط به امر مقدس و بالاخره مستلزم مراسم و اعمالی است که به نحوی کم‌وبیش منطقی مشتق از باورها هستند (آرون، ۱۳۷۰: ۳۷۵).

بنابراین امور مقدس دارای دستگاهی همبسته از باورها و اعمالی هستند که مربوط بدان امرند. این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آنها هستند، در یک اجتماع اخلاقی واحد متحد می‌کنند. دومین نتیجه از این بررسی بحث سوژه‌سازی است. به این شکل که وقتی احساسات افراد از ارتباط با نماد خاصی برانگیخته شود، فرایند سوژه‌سازی احساس رخ می‌دهد. پاسخ‌گویان با دیدن تربت امام حسین(ع) احساسات معنوی و دینی را تجربه می‌کنند. در واقع نماد بودن تربت به احساسی وابسته است که ممکن است در فرد شکل بگیرد.

برای آن که چیز مقدسی وجود داشته باشد، لازم است که افراد میان چیزهای غیرمذهبی و روزمره از یک سو و چیزهای طبیعتاً متفاوت و بنابراین مقدس از سوی دیگر تفاوت بگذارند. این تمایز در آگاهی افراد حس می‌شود که چیزی ماوراء فردیت آنها وجود دارد. هم‌چنین است در مورد تربت و آب تربت، مهر و تسبیح که از تربت تهیه می‌کنند. تربت به واسطه این که از خاک جوار مرقد مطهر امام حسین(ع) برداشته می‌شود، قابل احترام و دارای قداست. چنین است که خاک کربلا را برای شفای بیماران می‌برند و استفاده می‌کنند. تربت، قداست خود را از کربلا و به طریق اولی از حضرت امام حسین(ع) می‌گیرد و در این ارتباط در باورها و عقاید می‌تواند دارای خواصی مشابه منبع اصلی قدوسیت گردد. در مراسم مربوط به امام حسین مانند دهه اول محرم، شام غریبان، اربعین... شفای بیماران را به شیوه‌های گوناگون طلب می‌کنند. همین خاصیت را از تربت و خاک کربلا انتظار دارند.

مورد مهم دیگر نهادینه شدن و یا حک شدن است. حک شدن زمانی صورت می‌گیرد که تأثیرهای ناشی از یک نماد دینی در جامعه نهادینه شود. این نماد ممکن است یک شیء، فرد، مکان یا اثر و نشانی از فردی مقدس باشد که در این مطالعه تربت حضرت سیدالشهدا(ع) این روند حک شدن را طی، و نزد شیعیان از قداست بالایی برخوردار است و بسیاری از افراد احساساتی معنوی را در رابطه با آنها تجربه می‌کنند و تقدسی خاص برای آن قائل هستند. حک شدن با تقدس بخشی ارتباط متقابلی دارد. مشارکت‌کنندگان برای امام حسین(ع) تقدس بسیاری قایل هستند، بنابراین مکان شهادت امام و نیز هر چیزی که منسوب به این مکان باشد مانند خاک کربلا، تقدس می‌یابد. نتیجه اینکه افراد از نمادهای دینی تأثیر می‌پذیرند که قبلاً توسط جامعه بزرگ‌تر مشروعیت یافته‌اند مانند تربت امام حسین(ع) و دوباره آن دسته از احساسات دینی را بازتولید می‌کنند که به‌واسطه این نمادها شکل گرفته‌اند و باز این احساسات مذهبی را به جامعه بزرگ‌تر انتقال داده و به تثبیت احساسات خود کمک می‌کنند(نک به عزیزآبادی و کیانپور، ۱۳۹۸).

منابع

- ابی جعفر محمدبن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی المشتهر بشیخ الطائفه و الشیخ الطوسی(۴۱۱ق). = ۱۹۹۱م. (۱۳۶۹) **مصباح المجتهد**. بیروت: موسسه فقه الشیعه.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). **دین پژوهی** (چاپ دوم/ جلد اول). بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آرون، ریمون(۱۳۷۰). **مراحل اساسی اندیشه جامعه‌شناسی**، باقر پرهام. چاپ دوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اسلامی، ابراهیم(۱۳۷۳). **صاحب جواهر فقیه جاودانه**. ج ۱. بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- امینی، امیرقلی بی‌تا{۱۳۳۹}. **فرهنگ عوام**. بی‌جا: انتشارات موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- انصاری قمی، ناصرالدین(۱۳۸۵). **اختران فقاقت**، ج ۱. قم: دلیل ما
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۰ ق = ۱۳۴۰). **جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه**. تهران: مطبعه المساحه
- بلوکباشی، علی (۱۳۳۴). **آیین به خاک سپردن مرده و سوگواری آن**، ماهنامه پیام نوین، سال هفتم، شماره ۹، صص ۷۶ و ۷۳.

- پالس، دانیل(۱۳۸۵). **هفت نظریه در باب دین**. ترجمه محمد عزیز بختیاری. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پانوف، میشل (۱۳۶۸) **فرهنگ مردم‌شناسی**، نشر ویس، تهران
- تقی‌زاده داوری، محمود. بابایی، امید(۱۳۹۵). **تفسیر نمادهای دینی در مناسک شیعی** (نمونه موردی: نخل‌گردانی در ایبانه). فصل‌نامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. دوره ۱۴، شماره ۵۳، بهار
- حرعاملی، محمد بن حسن(۱۴۱۴ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. بی‌جا: آل‌البیت
- حیدرینا، محمدعلی (۱۳۷۹). **مقایسه ارکان اربعه در طب سنتی ایرانی و ارکان خمسه در طب سنتی چین**، خلاصه مقالات اولین همایش طب سنتی و مفردات پزشکی. تهران: دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- خمینی، روح‌الله(۱۹۸۶)، ترجمه عربی **تحریر الوسیله** امام خمینی(س) (جلد دوم). - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)
- دانشنامه اسلامی(۱۳۸۸). قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، ذیل واژه خاک
- دی‌مور، جری(۱۳۹۱). **زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی**، هاشم آقا بیگ‌پوری و جعفر احمدی، تهران: جامعه‌شناسان.
- رخشاد، محمد حسین(۱۳۸۶). **در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت**. جلد ۱. بی‌جا: موسسه فرهنگی سما
- شاملو، احمد و آیدا سرکیسیان(۱۳۷۷). **کتاب کوچه**، حرف آ، الف، ب، ت، چاپ دوم. تهران: انتشارات مازیار.
- شهری، جعفر(۱۳۶۷). **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم**. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شیخ حرعاملی(۱۴۱۴ق). **وسائل الشیعه**. نشر آل‌بیت.
- ضمیری، محمدرضا(۱۳۸۲). **کتاب‌شناسی تفصیلی مذاهب اسلامی**. قم: موسسه آموزشی - پژوهشی مذاهب اسلامی.
- طهماسبی، اصغر(۱۳۷۹). **مزاج‌های چهارگانه و ارتباط آنها با دارو و سیستم نورآندوکراین**، خلاصه مقالات اولین همایش طب سنتی و مفردات پزشکی. تهران: دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم(۱۳۹۲). **غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی**. مترجم شیخ عباس قمی. تهران: دینا
- شیخ عباس قمی(۱۳۸۵). **الفوائد الرضویه**. بوستان کتاب.

- عزیزآبادی، زهره. کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۸). **جامعه‌شناسی احساسات مذهبی در زندگی روزمره** (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران). جامعه‌شناسی کاربردی. سال سی‌ام، شماره پیاپی (۷۳)، شماره اول، بهار.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۱). **تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی**. تهران: نشر نی.
- قمی، عباس (بی‌تا). **کلیات مفاتیح‌الجنان**، هاشم رسولی محلاتی. تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۸). **از خشت تا خشت**. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، ج ۱۰۴، بیروت: ناشر: دار احیاء التراث العربی
- مجلسی، محمد باقرین محمدتقی (۱۳۸۸). **حلیه‌المتقین**. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- محدثی، جواد (۱۳۷۸). **عشق برتر راه‌های ایجاد محبت**. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- محقق حلی (۱۲۶۲). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، گردآورنده عباس قوچانی، نشر بیروت.
- مرعشی، شهاب‌الدین (۱۳۶۹). **فرازهایی از وصیتنامه الهی - اخلاقی مرجع عالیقدر و فقیه اهل بیت علیهم السلام حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی**: انتشارات کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره)
- موسوی همدانی، محمد باقر (۱۳۷۰). **ترجمه فارسی تحریر الوسیله امام خمینی (ره)** - جلد ۱، قم: دارالعلم
- نجفی، محمد حسن (۱۲۶۲ ه.ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**. قم: موسسه نشر اسلامی.
- نجم‌آبادی محمود، (۱۳۷۱). **تاریخ طب در ایران**، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۲). **دارالخلافه تهران**، تهران: انتشارات همگام.

۱- محمدباقر مجلسی (۱۰۲۷ ه.ق در اصفهان - ۱۱۱۰ ه.ق در اصفهان) (۱۰۰۶ - ۱۰۷۷ شمسی) معروف به علامه مجلسی و مجلسی ثانی فقیه شیعه و ملاباشی ایران در دوران شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفویه بود. معروفترین اثر او بحار الانوار است که مجموعه بزرگی از احادیث را گردآورده است